



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۲/۲۱

داکتر صلاح‌الدین سعیدی

در مواردی عبث بودن بحث اسلام و سیکولاریزم

بحث دین و سیکولاریزم و باز بحث دین اسلام و سیکولاریزم ابعاد مختلف دارد! اینکه دین در تمام عرصه های دینی و دنیوی قواعد و دساتیر عام و در موارد مشخص دارد و مسلمان به آن باور دارد و مشروعیت بخش از امور را در مواردیکه شرع اسلامی در مورد صراحت دارد، آنرا اساس میداند و قرار داده میتواند با کسیکه مخالف این اصل و روش است، بحث کردن نادرست و در موارد ضیاع وقت است! بخاطر اینکه عوض رفتن به سایر فرعی باید، اول مسئله اعتقاد و عدم اعتقاد به دین و اساسات آن روشن شود!

آزاد اندیشی و برابر کردن هر چیز به فکر، عقل و منطق خویش در دین اسلام نیست! دین در مسایل عبادتی و مسایل معین به نقل (قرآن کریم، سنت رسول الله ص، اجماع امت، قیاس، مصالح مرسله، عرف و... بالترتیب است که دو منبع اول «قرآن و سنت» اساس آند و بقیه نباید به دواصل اولی در تضاد باشند) و در بقیه مواردیکه نص صراحت ندارد به اساس اصل چارم، یعنی انالوگی و قیاس عمل میشود انالوگی و قیاس است که مسایل عصر امروز را حل میدارد! در موارد دینی، عبادتی کار مجتهد و مفتی و در بقیه موارد کار دانشمندان و متخصصین فن، ساینست‌ها و دانشمندان علوم و تکنالوژی عصر ما است!

اگر حاکمیت، حلقات افراطی این دورا مغالطه کنند، بر اولاد وطن تعلیم را محدود و نیم قشر جامعه را از کسب سواد، تعلیم و تربیه جامعه محروم بسازند، بر جامعه روایت افراطی خود را از دین اسلام بدون مشروعیت تحمیل کنند و به این ترتیب فکر حاکمیت و دولرداری اسلامی را خدشه دار، ساخته برای ایجاد و قوت گرفتن منطق و استدلال ضد دینی و از جمله سیکولاریزم کار میکنند و جامعه را به انقطبهای ظالمانه مواجه ساخته و به هر دو طرف فرصت افکار افراطی میدهند و ساده ها با فکر صادقانه و خالی الذهن و بی خبر از عمق قضایا را به افکار ضد دینی با تمام قربانی و قرار میگیرند، حالت سخت مشکل ساز است!

این بحث طویل و عریض است و دستهای هدفمند ضد اسلامی برای آن کار دقیق و حسابی کرده اد و میکنند! سیکولاریزم در رابطه به ادیان دیگر و از جمله دین مسیحیت و جدال های رهبران مسیحیت و حاکمان وقت در اروپا و انجام کار شان در اروپا، مطابقت داشته باشد ولی با دین اسلام سیکولاریزم به مفهوم جدایی دین از سیاست، در کل مطابقت ندارد! بلی مکرراً باید گفت که سیکولاریزم ملامت‌های هم نیست!

بعضی ادیان را که ما به نام دین میشناسیم و دین با مذهب در بین دین هم مغالطه میدارند، اعتقاد به موجود به نام الله متعال و یا همچو اعتقاد موجود ماورای طبیعت ندارند و دین شان قبل از همه انتخاب طرز زندگی معین است، تا دین به معنای اعتقاد به ماورای طبیعت! تعداد بیشتر این ادیان زندگی و جامعه را در مسایل حقوقی تنظیم نمی کنند و ندارند، لذا پارلمان در آن جوامع خالق قوانین آند و در جامعه اسلامی انتخاب اصح و افضل از فتاوی مختلف که در مورد با تفصیل ضرورت است!

مشکل بحث در آزاد اندیشی و فهم غلط از دیموکراسی و... دارند! و اکثر سوء استفاده از دین را که ما تجارب بدی داریم در مقابل دین استفاده میکنند و کرده آند و این انصاف نیست!

حدیث پیامبر اسلام ایت که در مطابقت فهم جامعه و انسانی شدن دین و در خدمت مردم قرار گرفتن دین و دین اسلام ظهور کرد و به متمول و ثروتمند امر کرد: ده زن بی سرنوشت و غیر اعلان شده و بدون نفقه، هر شهر و... داری، صرف ۴ تا اش مجاز و بقیه را طلاق کند! اگر عدالت نمی توانی صرف یک زن! اما سوء استفاده جو از دین ساده گفت، چار زن جواز است! من میگویم بدون داشتن شرایط برای بعضی همان یک زن هم اجازه نیست، چه رسد ۴ زن!

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکني د ليکنيزي ښي پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

کسی شخص زن دار و یازن شوهر دار را متهم به زنا کرد، و جار شاهد، عاقل بالغ، غیر فاسق نه آورد و این چار شاهد، عمل زنا را مانند چوب سرمه دانی در سرمه دان توضیح و شهادت داده نتوانستند، این طعن وارد کننده به زنا، به صورت مباشر ۸۰ دره زده شود! خوب حال به من بگویند کدام انسان در برابر ۴ شاهد عاقل، بالغ، غیر فاسق به عمل زنا دست بزند و چار شاهد چنین مشخص شهادت بدهند که شبهه وارد نه شود؟ عملاً چنین اثبات، مستحیل میشود! لذا حد رجم را در صورت زناى شخص متاهل صرف در حد وقایه، تربیه و انذار باقی میماند و شارع به تطبیق حد به هر قیمت علاقه ندارد و حکم است که اگر چنین تخلف را کس کرد و کسی خبر نه شد، شخص توبه بکشد و از الله متعال طلب مغفرت کند و سفارش اعلام و اقرار، نمی شود! حال اگر کسی از دین سوء استفاده میکند و حاکمیت غیر مشروع تحمیل میکند، این مشکل اسلام است و یا مدعیان کاذب و یا جاهل از دین اسلام؟!

مشکل ما و مسلمانان درین و ما تجارب بسیار بدی آنرا از چپ و راست تجربه داریم! درین خصوص بخش از مشکل، مشکل دیگران در فهم دیموکراسی و جمهوریت است نه فهم ما! اگر منظور از جمهوریت، حاکمیت جمهور و اکثریت و دیموکراسی حاکمیت مردم، بالای مردم و در خدمت بالنده سازی و پرورش و در خدمت ارزشهای مردم و جمهور اند، من جمهور و ملت مجاهد و مسلمان با ارزشهای اسلامی و در توافق به عقیده و ارزش من اکثریت و جمهور زندگی کردن و در خدمت من جمهور بودن امور را تنظیم کردن است!

من و انتخاب من در چوکات اسلام و ارزشهای اصیل اسلامی، مادرم، مادر و خواهرم خواهر و همسر همسر و من مسلمان این قید و بند را قبول دارم و آزاد اندیش و سیکولار درین خصوص نیستم! عزت و شرف من در اخلاق دینی و اسلامی من است و به آن میبالم و این ارزش اکثریت ملت من و افغانستان است! آزاد اندیشی که من منتخب ملت منع شوم تا ارزش خود را که دین و ملت من است در چوکات قانون عملی کرده نتوانم و حاکمیت را به این نوع سیکولار بسازند، نادرست و ما اضرار و نادرست بودن چنین لغزش های را دیدیم! ساختن قوانین و طرز العمل های جامعه من در همین چوکات است که نماینده من در پارلمان انتخاب شده، چون انتخاب ملت در چوکات اسلام است و پارلمان و جمهوریت منتخب من قوانین و مقررات و قواعد زندگی را مشروع، مدون میسازد (نه در اکوره و نه مقنن گمنام و به قدرت رسیده به بمب بوشکه) و من را در تحقق ارمانهای من و زندگی چون ایمان و عقیده من در خدمت من جمهور قرار میگیرد! لذا سوال جمهوریت و بحث جدایی دین از سیاست و به این ترتیب سیکولاریزم تاکید ناشی از عدم فهم از عمق قضایا، بی دینی، و یا فتنه افگنی است! تصادفی نیست که عده تأکید میدارند که این روشنفکران سیکولار به درد افغانستان و ارزشهای ما نمی خورند و ... جمهوریت به انتخاب ملت سوال سیکولاریزم را مطرح نمی کند، چون اکثریت مطلق جامعه مسلمان و مسلمان در چوکات اسلام انتخاب و منتخب خود را دارد!

با چنین فهم و چنین درک، باز کردن بحث سیکولاریزم، سفارش آن مانند موجود تجرید شده از جامعه و کشور و دفاع از آن در واقعیت بحث روشنفکری و خارج از جانب عمل، قطعاً نادرست است! بلی چنین تأکیدات افکار افراطیت مسلط در چوکات دین را تقویت کرده و در مقابل حاکمیت مردم سالاری قرار میگیرد و گرفته است!

که در نتیجه همین افکار سیکولار است که فرصت مقنن مجهول الهویه، غیر مشروع بر من قانون اجراء جزایی عصر خفته با روایت و استناد رد المختار و ... چرا رد المختار را منبع ساخته اند، تا از شر سیکولارها رهایی یابند! چرا قرآن کریم و اصلی قرآنی و سنت رسول الله را منبع نه سازیم؟ چیزی را که ملت افغان به صورت کل و ۹۹ فیصد باور دارند!

من انقدر جمهوری و دیموکرات نیستم که مندرجات و قفله های حقوق اساسی بشر را که همه چشم و گوش بسته قبول دارند، من هم قبول کنم!

من تساوی مرد و زن را در تساوی انسان و انسانیت میدانم و میدانم که از دامن زن انبیاء- پیامبران به معراج رسیده اند، اما مرد و رسالت آن در خانواده و جامعه و زن و رسالت آن در جامعه و خانواده در موارد متفاوت است و من در زیر نام تساوی، مثلاً بر مرد تحمیل کردن طفل را حمل کردن و زندگی، مرد با مرد و زن با زن و تساوی حق همسکسوال و لژیون را نمی پذیرم، اگر آزاد اندیشان سیکولار، قبول دارند، مبارک شان!

متاسفانه در قوانین حقوق بشر و در جمهوری به نام اسلام چون پاکستان با تمام منافقت مولانا فضل الرحمن توسط خودش دستخط و در پاکستان موجود نافذ شده! ایشان از این ناحیه (حیرامندوی) تکس و مالیة رسمی میگیرند! چنین جمهوریت و چنین دیموکراسی خطاء و نادرست و فهم نادرست از دیموکراسی است!

تصمیم من منتخت مردم مجاهد و مسلمان در چوکات ارزش اسلام و منعکس کننده صدای مردم من در قوانین و جامعه منطبق به ارزشهای ملت من است! اگر در موارد غیر بنیادی، روایت طالب و من در قانون اجراء جزایی و وظایف کمیته های امر بالمعروف و نهی عن المنکر عدم روشن بودن حدود و صلاحیتهای این مراجع و وجود دارد که دارد، بگذار هر دو روایت اسلامی به انتخاب ملت بروند و من و ایشان استدلال خود را داشته و مسؤولیت

تنفیذی و اجرائیوی اش بعد از فیصله نورمال ملت و مراجع مشروع، در چوکات جمهور و دیموکراسی به گردن فیصله کننده باشد و من فرصت داشته باشم که برای تحقق روایت و سفید خود، مبارزه و تنویر خود را ادامه دهم! تاکید وزیر حاکمیت مبنی بر جواز مطلق برای دیدن داکتر مرد، در صورتیکه این مجبوریست و حالت را خود ایجاد میکنند، مجاز نیست و اگر زن افغان به چنین مجبوریست کشانده، میشود، گناهی به گردن کسی است که دختر افغان را از داکتر شدن، محروم ساخته است!

تأکید شخص دست اول حاکمیت مبنی بر عدم جواز، حتی سوال فرصت تعلیم برای دختران را غیر مجاز دانستن در اثر همین افراط و تفریط و در اثر خلاصه کردن جمهوریست مبتدل در خانه های امن و بکار گیری، سوء استفاده آنها از خانه های امن جمهوریست و امثال آ افراط و تفریط و فهم غلط است!

حزب قومی و متعصب باید منع و جوازش گرفته شود، تا تاکید آزاد اندیشان به حل قومی و زبانی مسایل سیاسی کشور!

مسایل سیاسی کشور ما افغانستان حل قومی و زبانی ندارد! اصل یک شهروند، یک رأی و حاکمیت قانون و تطبیق بر همه یکسان!

تقویت افراطیت و دیکتاتوری بخاطر افکار توهین و تحقیر عزت، افغانیت و ارزشهای ملی و اسلامی من توسط سیکولارها و آزاد اندیشان ازین قماش سخت کنترپردکتیف، کشنده و مضر اند!

لذا فهم خود را از مسایل دقیق و در همین چوکات دست از افراط و تفریط باید دست برداشت!

انتخاب اش باشما

و ما علینا الا البلاغ المبین

داکتر صلاح سعیدی

۰۰۴۴۷۸۸۶۴۷۴۶۳۸